سینمای خارج

ایستوود و اسکار و آینده‌ای نامطمئن

نیویورک تایمز ترجمه: امیررضا نوری زاده

کلینت ایستوود برای پنجمین مرتبه در سالهای اخیر شانس دستیابی به جایزه اسکار را برای فیلم تازه اش به دست آورده است. او در سال ۱۹۹۳ جایزه اسکار را برای کارگردانی فیلم نابخشوده دریافت کرد و دو سال قبل نیز فیلم رودخانه مرموز از او نامزد دریافت چند جایزه اسکار از جمله بهترین فیلم بود. مریل استریپ نیز برای فیلم پل های مدیسون کانتی در سال ۱۹۹۵ نامزد دریافت جایزه اسکار شد و حتی فیلم نه چندان خوب او به نام گاوچران های فضایی در سال ۲۰۰۰ برای دریافت جایزه جلوه های ویژه صوتی کاندید! شد. اما علیرغم اینکه ایستوود تمامی این موفقیت ها را در استودیو برادران وارنر کسب کرده و به نوعی عامل سودآور برای این استودیو پرسابقه محسوب می شده و سابقه همکاری او با این استودیو به سال ۱۹۷۵ بازمی گردد، هنوز این پیرمرد ۷۴ ساله با مشکلات زیادی در تأیید پروژه هایش برای رسیدن به مرحله تولید در این استودیو مواجه است. ایستوود از سال ۱۹۷۱ و فیلم با هری کثیف تا به حال ۳۰ فیلم برای استودیو وارنر ساخته ولی پیشنهاد آخر او برای ساخت فیلم عزیز میلیون دلاری در ابتدا با مخالفت شدید مدیران استودیو مواجه شد همانطور که آنها در ابتدا فیلم رودخانه مرموز او را به دلیل تیره بودن داستان رفاقت سه دوست قدیمی رد کرده بودند. مدیران اجرایی وارنر معتقد بودند عمر فیلمهایی با موضوع مشت زنی به سرآمده و تماشاچیان این فیلم را مثل فیلمهایی چون هاریکین و یا علی در گیشه پس می زنند و موافقت نهایی زمانی حاصل شد که شرکت ifc.lakeshore ent به عنوان یک سرمایه گذار خارجی حاضر به تقبل بخشی از هزینه ها شد.

اما حالا آلن هورن مدیر استودیو با توجه به موفقیت چشمگیر فیلم در نامزدی برای ۷ شاخه در اسکار امسال از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردان و بهترین بازیگر نقش اول، بیش از هر کس دیگری خوشحال به نظر می رسد. او معتقد است: اگر قرار بود من الآن با شما در حال حاضر درباره دلیل رد این پروژه و انتقال آن به استودیو دیگر صحبت کنم، لیاقت اخراج شدن را داشتم!

اما همانطور که اشاره شد این اولین باری نیست که ایستوود موفقیتی غیر منتظره را برای استودیو وارنر به ارمغان می آورد. او که با بازی در سه گانه وسترن اسپاگتی سرجیولئونه در اوایل دهه ۱۹۶۰ به شهرت رسید، تا به حال صدها میلیون دلار درآمد زایی برای استودیو وارنر داشته است و روند فیلمسازی او به قدری هماهنگ بوده که برخی او را همچون یک کارگر سری دوزی برای وارنر می شناسند.

ایستوود در مورد امتناع وارنر از ساخت فیلم عزیز میلیون دلاری در آغاز کار می گوید: من برای آنها توضیح دادم که این یک فیلم ورزشی نیست بلکه یک فیلم عاشقانه است. ولی در عمل سایر استودیوها هم نظر مشابهی را داشتند گر چه آنها هم در مواقعی برای همکاری با من ابراز علاقه کرده بودند. من به مسؤولان وارنر گفتم که من از آن دسته افرادی نیستم که بتوانم نقش ابرقهرمان را ایفا کنم ولی به خودم می گفتم اگر آنها نمی خواهند این را بسازند و اصلا به ساخت فیلم درام علاقه ندارند پس اصلا چرا در صنعت فیلمسازی فعالیت می کنند؟

اما ایستوود با این همه سابقه همکاری هنوز رابطه اش با وارنر به شکل یک قرارداد بلندمدت نیست و از این رو فیلم بعدی اش پرچم های پدرانمان را برای دریم ورکز می سازد و البته حقوق اقتباس از رمان اصلی متعلق به دریم ورکز است.

او اولین فیلم خود به نام میستی را برایم بنوار برای استودیو یونیور سال ساخت ولی این استودیو هیچ دستمزدی به او نپرداخت و فقط حاضر شد تا درصدی را برای او در نظر بگیرد. او پیرامون این سابقه پر افت و خیز می گوید: الآن همه از تعداد جایزه های احتمالی این فیلم در اسکار صحبت می کنند ولی ما در ابتدای کار اصلاً این قضیه را مد نظر نداشتیم. شرایطی که من برای این فیلم داشتم دقیقاً مثل شرایط فیلم رودخانه مرموز بود. آنها برای آن فیلم به مدیر برنامه های من گفته بودند که دستمزد اندکی را به من می دهند و عمده دستمزدم را از درصد فروش فیلم باید دریافت کنم. من به این پیشنهاد خندیدم و به مدیر برنامه هایم گفتم که حالا دقیقاً به جایی برگشتم که ۳۶ سال پیش در زمان ساخت میستی را برایم بنواز در آن قرار داشتم. من آنها را شماتت نمی کنم و نمی خواهم در مورد آن جنجال سازی کنم چون اگر هم این فیلم به گل می نشست، من اصلاً احساس خوبی نداشتم. اما فیلم رودخانه مرموز حدود ۱۵۰ میلیون دلار در جهان فروش کرد. اما اوپس از این موفقیت عمده متعجب شد که مسؤولان وارنر پاسخ مبهمی برای عزیز میلیون دلاری به او دادند.

جان کالی مدیر اجرایی سابق استودیوهای سونی و وارنر در مورد این مسأله می گوید: من شگفت زده ام که ایستوود پس از موفقیت فیلم رودخانه مرموز هنوز باید برای هزینه فیلم جدیدش گدایی کند او برای سالهای متمادی برای استودیو وارنر کسب افتخار کرد. او مثل بسیاری از فیلمسازان نیست و یک هنرمند واقعی است. او هرگز خود را به عنوان یک هنرمند معرفی نمی کند ولی عملکرد او در اکثر موارد جذاب بوده است.

ایستوود ۷۴ سال دارد و یک آدم ۷۴ ساله، ۷۴ ساله است و پیر. ولی به نظر می رسد زمان با ایستوود همچون برخی از کارگردان ها مهربان بوده است و او هم قصد ندارد به این زودی ها از کار کناره گیری کند. هر چند که جان هیوستون ۷۹ ساله بود که افتخار پرتیزی را ساخت و یا آکیرا اکوروساوا در ۷۵ سالگی Ran (آشوب) را ساخت و مایک نیکولز اخیراً در ۷۳ سالگی فیلم closer را ساخته است. استیون اسپیلبرگ که تهیه کنندگی فیلم بعدی ایستوود را برعهده دارد در مورد او می گوید: اگر به هشت سال گذشته نگاه کنید، باید بگویید که پیرتر شدن کیفیت کار او را بالا برده است. او در این سن و سال هنوز توانایی متعجب کردن شما را دارد و با دو فیلم آخرش ما را شگفت زده کرده است.

هیلاری سوانک، بازیگری که برای بازی در فیلم عزیز میلیون دلاری ایستوود نامزد دریافت جایزه اسکار است در مورد او می گوید: وقتی برای اولین بار با او برخورد کردم، نمی دانستم چه بگویم چرا که او یک الگوی کامل سینمایی است. کوین بیکن بازیگر فیلم رودخانه مرموز هم خاطر نشان می کند که در خلال بازی در این فیلم متقاعد شد که زمان ساخت فیلم خودش فرا رسیده است. او می افزاید: کلینت فیلمهایی را که دوست دارد، می سازد و آنها را به شیوه خودش می سازد و همین مسأله اعتماد به نفس لازم برای ساخت اولین فیلم را به من داد.

اما شاید ساخت فیلمهای ایستوود به آن سادگی که بیکن به آن اشاره می کند، نباشد. چرا که فیلمی محدود چون عزیز میلیون دلاری نیز در سیستم فیلمسازی امروز به دهها میلیون دلار بودجه نیاز دارد که تأمین آن حتی برای ایستوود نیز قطعی نیست.

تری سمل مدیر اجرایی باهو که قبلاً معاون استودیو وارنر در دهه ۱۹۹۰ بود پیرامون دوره نه چندان درخشان ایستوود می گوید: شما برای همکاری با ایستوود اصلاً مشکلی نداشتید چون ناچار نبودید با چندین نفر در مورد یک فیلم صحبت کنید بلکه فقط با کلینت قضیه را تمام می کردید و او هر آنچه را که می گفت، انجام می داد و همیشه نگران بازگشت سرمایه بود.

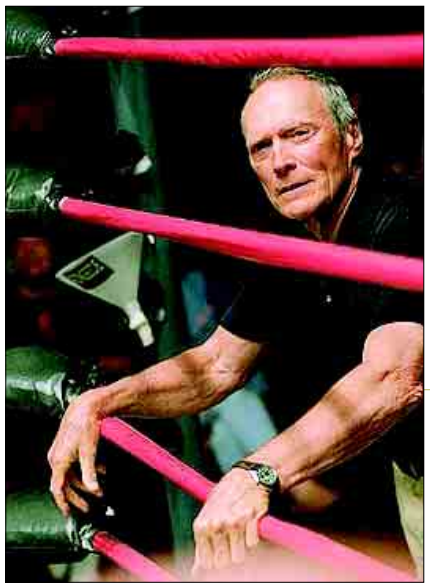

درباره «هوانورد»، اپیک جدید مارتین اسکورسیسی

افسانه نابغه مخدوش

اسکرین اینترنشنال

* مترجم: وصال روحانی

«هوانورد» (خلبان) مثل تعدادی دیگر از فیلمهای درخشان مارتین اسکورسیسی ۶۳ ساله همراه با هیاهوی اسکار و احتمال فتح این جوایز اکران شده است و اغلب سازمان های عمده ناظر بر هنر سینما جوایزی را به آن اختصاص داده اند، اما خود اسکورسیسی با تجربه و وقوفی که محصول قریب به ۴۰ سال فیلمسازی است، می داند که این گونه هیاهوها لزوماً نشانه های خوبی نیستند و ممکن است مثل دفعات قبلی اثر عکسی بگذارد و موجب شود او همچنان دور از این جوایز بماند.

هر اتفاقی که بیفتد، باید متذکر شد که «هوانورد» با قلم و دید اسکورسیسی حدود ۲۰ سال از زندگی هاوارد هیوز را نشان می دهد. هیوز یکی از بارزترین و جالب ترین شخصیتهای قرن بیستم محسوب می شود. او یک تاجر بزرگ بود که وارد کار فیلمسازی شد و به یکی از موفق ترین تهیه کننده ها در هالیوود بدل گشت و در همان حال به یکی از خلبانان ابداع گر و استثنایی دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ نیز تبدیل شد و با این وجود، در نیمه دوم زندگی اش در اوهام مختلف گرفتار آمد و دچار جنون شد و در عزلت زندگی می کرد و با چنین حالت تأسفباری به سال ۱۹۷۶ از دنیا رفت.

اسکورسیسی در «هوانورد» تمام این فراز و فرودهای عجیب را به تصویر می کشد و هیوز را هم در اوج و هم در حضیض برابر ما قرار می دهد. در شروع فیلم هیوز را با بازی لئوناردو دی کاپریو در حالی می بینیم که ۲۵ سال بیشتر ندارد. او در آن زمان مشغول ساخت یکی از مشهورترین فیلمهای عصر در هالیوود به نام «فرشته های جهنم» بود. اسکورسیسی در همین مقطع مراودات هیوز را با چهره های مشهور هالیوود همچون کاترین هپبورن (با بازی کیت بلنچت) و اوا گاردنر (کیت بکین سیل) نشان می دهد و ما را به عصر طلایی هالیوود می برد و اماکن مشهور آنجا همچون کوکونات گرو را به معرض تماشا می گذارد. آنچه در این مقطع می بینیم، زرق و برق البته تصنعی هالیوود است، ولی اسکورسیسی از طریق این تصاویر ما را با شکوهی آشنا و رودررو می کند که ظاهراً هیوز را قانع نمی کرد و طبیعت ماجراجوی وی، او را به سوی مسائلی مهیج تر همچون خلبانی و کشف دنیاهای ناشناخته و حتی شکستن رکوردهای هوانوردی در این راستا سوق می داد.

به این ترتیب می بینیم که هیوز سریع ترین هواپیمای آن عصر را ساخت و عرضه کرد و توانست با دور زدن دنیا در ۳ روز و ۱۹ ساعت طی سال ۱۹۳۸ دست به کاری نشدنی بزند.

دوران های بد و توأم با شکست نیز در آن عصر برای هیوز شکل گرفت. از آن جمله بود جنگ شرکت هواپیمایی اختصاصی وی (همان «A.W.T» معروف) با دولت آمریکا و شرکت هوایی رقیب یعنی پان امریکن ایرلاینز که بر سر تملک و حاکمیت بر خطوط سفرهای بین المللی و سودجویی از این طریق صورت گرفت. این جنگ برای A.W.T و شخص هیوز چندان خوش یمن نبود و سبب شد این شرکت تا مرز ورشکستگی و انحلال پیش برود.

اگر بخواهیم بهتر بگوییم، باید متذکر شویم که اسکورسیسی ابتدا صحنه های مورد نظرش را عادی و به طور ساده و با ادوات حقیقی گرفت و سپس آنها را به وسیله کامپیوتر و با تکنولوژی دیجیتال به شکلی درآورد که می خواست. این چنین است که صحنه های مربوطه حال و هوای کارهای سه دهه ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ را به خود گرفته و شبیه به سکانس های آثار کلاسیک شده اند.

از هر دیدگاه به «هوانورد» نگاه کنید، این فیلم نیز مثل کارهای برجسته قبلی این سینماگر هوشمند و انرژیک نیویورکی، داستان زندگی یک آدم خاص و در رنج و تلاطم است که هرچند بسیار مستعد است، اما دائماً باید با شیاطین درونی اش بجنگد و بیننده نمی داند مرگ او را در سکانس نهایی چه چیزی بینگارد: رهایی از مشقت و یا پایان محتوم آدم هایی که هر چقدر بیشتر اوج می گیرند، حقیقت وجودی خود را بیشتر گم می کنند.